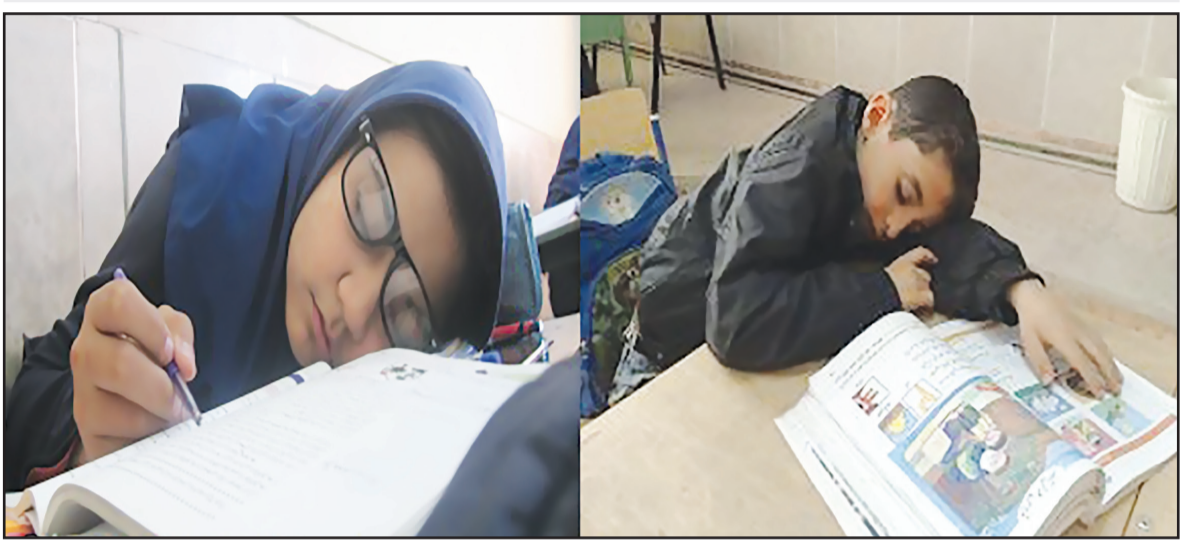


تاملی بر ناکارآمدی نظام آموزش و پرورش برای تحقق اهداف تربیتی

تابستان خود را چگونه می گذرانند؟!

لیدر: رحمانی فضلی می گوید: باید در حوزه پیشگیری از آسیب های اجتماعی اقدام کنیم و بایستند کردن به آموزش و پرورش به نتیجه نخواهیم رسید. او معتقد است آموزش و پرورش باید جایی باشد که در دانش آموزان سلامتی و توانمندی ایجاد کند. ما باید بیشتر به علت شناسی بپردازیم و نه مصداق شناسی؛ افسردگی و پر خاشاگری ممکن است یک علت مشترک داشته باشد و آن هم فقدان نشاط و امید در مدارس و هم چنین به طور کلی در جامعه است.



آذر فخری، روزنامه نگار

نیستند و در این زمینه کنترل و نظارتی هم ندارند. برای این مورد بیفزایید، فیلتر شدن تلگرام و استفاده فراگیر از فیلتر شکن را که باعث شده، نوجوانان، امکان دسترسی به سایتها و برنامه های خاص اینترنتی را هم داشته باشند که قبلا به واسطه عدم استفاده عمومی از فیلتر شکن، این امکان وجود نداشت. با توجه به تمامی این مسائل، به نظر می رسد، محیط خانه نیز، در غیبت والدین، از امنیت چندانی برخوردار نیست و چنین نیست که با درنگ نگاه داشتن آنان، بشود حریم جسم و جان آنان را حفظ کرد. وقتی والدین در خانه نیستند، چگونه می توانند متراولی بر رفت و آمد فرزندان و نحوه مرادوات آنان با هم سالان شان داشته باشند؟ از هر طرف که به ماجرای دانش آموزان نگاه کنیم، به نحوی در مورد آنان احساس ناامنی انکارناپذیری وجود دارد.

آن هانمی فهمند!

به این ترتیب، نوجوانان، چه به عنوان فرزندان و در خانواده، چه به عنوان دانش آموز و در مراکز آموزشی، آن چنان که باید از امنیت، سیستم و نظام آموزشی و نیز اتفاقات ناخوشایندی که در برخی مراکز آموزشی و ورزشی افتاده، فرزندان ما را خانه نشین کرده است. آن ها مجبورند تمام روز خود را در خانه یا در جلوی تلویزیون بگذرانند؛ که در این مورد شبکه های داخلی و ماهواره ای هر یک به نوعی، آفت های اخلاقی و تربیتی دارند. ضمن این که اکثر ساعات روز والدین در خانه

مادر یکی از بچه ها می گوید اصلا با هم کنار نمی آیند. خیلی زود از دست هم عصبانی می شوند. و اگر کارشان به کتک کاری نکشد، از هم دیگر و از بازی قهر می کنند و برمی گردند خانه. دعوا و مجادله، و قهر بچه ها، روی ارتباط و مرادوات والدین آن ها با یکدیگر هم تاثیر می گذارد و موجب کدورت هایی می شود.

این مادر با پوزخند می گوید: یادتان هست مادرهای ما، عصرها در کوچه می نشستند و سبزی های شان را باهم تمیز می کردند؟ آن ها فقط سبزی پاک نمی کردند، مواظب ما هم بودند. و ما با حضور آن هادر کوچه و در کنار بازی های مان، بی آن که بدانیم، احساس امنیت می کردیم. اما حالا، اغلب ما، شاغلیم و اگر شغلی هم نداشته باشیم، برای خودمان مشغولیت هایی تراشیده ایم، و این البته حق والدین است که زمانی برای خود داشته باشند. این حق را اعتماد آن ها به فضای امن سیستم و نظام آموزشی و بستر کوچه و خیابان، ایجاد می کند. اما با حوادث اخیر، والدین ترجیح می دهند بچه ها در خانه بمانند، چه با حضور خودشان چه در غیبت شان.

یکی از بچه می گوید: نمی فهمند! می پرسیم چه کسی نمی فهمد؟ در حالی که عرقش را با استنشک پاک می کند، می خندد و می گوید: هیچ کدام مان نمی فهمیم... چه می دانم... اصلا معلوم نیست چه خبر! و نزدیک تر می آید و آهسته می گوید: مشکل اینته که پدر و مادرا فکر می کنن ما تو خونه همین طوری ساکت و دست به سینه می مونیم و

زنگ افسردگی نوجوانان دانش آموز به صدا در آمده است. آمار ترک تحصیل پنهانی (بی آن که والدین خبر داشته باشند که فرزندان شان مدرسه نمی روند) و افت تحصیلی و پایین آمدن نمرات، بالا رفته است

هیچ کاری نمی کنیم؛ خب اینترنت هست، تلویزیون و ماهواره هست. تلفن هست. کسی هم نیست که بفرماید ما کجا می ریم و با کی می ریم. چند تا از دوستای خود من سیگار می کشن و دوستی های ناچور دارن، ولی پدر مادرشون نمی دونن... وزیر کشور نگران است

زنگ افسردگی نوجوانان دانش آموز به صدا در آمده است. آمار ترک تحصیل پنهانی (بی آن که والدین خبر داشته باشند که فرزندان شان مدرسه نمی روند) و افت تحصیلی و پایین آمدن نمرات، بالا رفته است. در کنار این بی تحرکی تحصیلی، بی تحرکی اجتماعی و کسالت و کم توجهی و بی تفاوتی در بین دانش آموزان رواج دارد.

یک دختر دانش آموز دبیرستانی که تازه با خانواده اش اعلام کرده دیگر علاقهای به ادامه تحصیل ندارد، می گوید: دو خواهر و برادر بزرگ ترم، تحصیلات دانشگاهی دارند، سن شان دارد بالا می رود، نه کاری پیدا کرده اند و نه می توانند از دواج کنند. خوب من می کند توسط دیگران بررسی و نقد می شود و ممکن است حتی تحقیر، شرمگین یا خجالت زده نیز شود؛ باین وجود خود فرد کاملا آگاهی دارد که این ترسها غیر معقول هستند. این ترسها با عملکرد طبیعی فرد تداخل می کنند تا جایی که فرد از برخی موقعیتهای اجتماعی اجبار به حضور، با اضطراب و فشار فراوان آنها را تحمل می کند. روانشناسان معتقدند که فوبی های مختلف علت های متفاوتی دارند و از این رو درمان های متنوعی را نیز می طلبند؛ شایع ترین روشی که برای درمان فوبی به کار برده می شود قرار دادن تدریجی بیمار در معرض منبع ترس است که شده، ممکن است به بروز حملات هراس یا غش بینجامد. از انواع این فوبیا می توان به ترس از حیوانات، ترس از ارتفاع، ترس از توفان، ترس از خون، ترس از تزریق، ترس از حشرات، ترس از محیط های بسته و... اشاره نمود.

به همین ترتیب نیز «هراس اجتماعی» به ترس چشمگیر و پایدار از موقعیتهای اجتماعی و اجرایی گفته میشود که در آنها فرد احساس

برای چه باید مثل آن ها و قتم را هدر بدهم وقتی قرار است به همان جایی برسم که آن ها رسیده اند. ترجیح می دهم به جای درس خواندن، یک هنری بیاد بگیرم. کلاس نقاشی یا موسیقی بروم. اما مدرسه نمی گذارد. می گوید به مدرسه و معلم ها و هم کلاسی هایم اعتماد ندارد چه برسد به این آموزشگاه های خصوصی. خوب من الان چه کار کنم؟ مدرسه را دوست ندارم. حوصله ام از در خانه ماندن سر رفته. حالا شده ام پادو و و دست مادرم در کارهای خانه. بقیه روز را هم فقط یک جادرازی می کشم یا تلویزیون تماشا می کنم یا چرت می زنم. یا با گوشه کاری مشغول می شوم. حوصله هیچ کاری ندارم.

و این بی حوصلگی و کسالت فراگیر است. میزان اعتیاد به انواع مواد مخدر در بین دانش آموزان به طور روزافزونی در حال گسترش است و البته سیگار معمولی ترین ماده مخدری است که اغلب دانش آموزان را آن را تجربه کرده اند.

مادری می گوید تنها برای این که بچه ها به خاطر استفاده از کلیان به جاهای نامناسب نروند و با افراد ناباب آشنا و دمخور نشوند، خود دم و دستگاه کلیان را در خانه برای شان آماده می کنم. این طوری جلوی چشم خودم هستند و بیمار هم نمی شوند. و تومی مانی که در برابر چنین استدلالی چه بگوییم؟

آموزش و پرورش و انکار!

هیچ آمار دقیقی در مورد دانش آموزان معصانه، ترک تحصیل کرده، یا با رفتارهای پرخطر، وجود ندارد. یا اگر آمار هست، افشا و علنی نمی شود. آموزش و پرورش، هنوز نمی پذیرد که دانش آموزان با معضلات و آسیب های مختلفی دست به گریبانند و چون نمی پذیرد و انکار می کند، در پی هیچ راه و روش پیشگیرانه و درمان کننده ای نیست. مدارس اغلب مشاور ندارند. اگر هم داشته باشند، یک مشاور تحصیلی دارند که در مورد انتخاب رشته و نحوه ادامه تحصیل، مشاوره های اغلب نادرست و نامتناسب با استعداد دانش آموزان به آن ها می دهند.

این مشاوران به مقاطع بالاتر یا به دانشگاه راه پیدا کرده اند، در میانه راه از انتخاب خود پشیمان و نسبت به رشته تحصیلی خود سرخورده شده اند. چرا که مشاوران با توجه به اعتبار مدرسه و نه استعداد و علاقه دانش آموزان، آنان را وامی دارند وارد رشته هایی شوند که فکر می کنند آینده شغلی بهتری دارند. و البته می دانیم که به توجه به وضعیت فعلی جامعه حرف زدن دارودرمانی و روان درماتی توصیه می شود و

مادری می گوید تنها برای این که بچه ها به خاطر استفاده از کلیان، به جاهای نامناسب نروند و با افراد ناباب آشنا و دمخور نشوند، خود دم و دستگاه کلیان را در خانه برای شان آماده می کنم. این طوری جلوی چشم خودم هستند و بیمار هم نمی شوند. و تومی مانی که در برابر چنین استدلالی چه بگوییم؟

از آینده و شغل، تا چه حد می تواند مضحک باشد. پر خاشاگری و فقدان نشاط رحمانی فضلی می گوید: باید در حوزه پیشگیری از آسیب های اجتماعی اقدام کنیم و بایستند کردن به آموزش و پرورش به نتیجه نخواهیم رسید. او معتقد است آموزش و پرورش باید جایی باشد که در دانش آموزان سلامتی و توانمندی ایجاد کند. ما باید بیشتر به علت شناسی بپردازیم و نه مصداق شناسی؛ افسردگی و پر خاشاگری ممکن است یک علت مشترک داشته باشد و آن هم فقدان نشاط و امید در مدارس و هم چنین به طور کلی در جامعه است.

سخنان رحمانی فضلی، هشدارها و اخطارهای پنهانی در خود نهفته ندارد. فقط کافی است روی همان جمله توقف کنیم که می گوید «نباید به آموزش و پرورش بسنده کنیم.» و این یعنی تقریباً دست امید از این نظام شسته شده است. این نوعی اعتراف دردناک به ناکارآمدی نظامی (بله نظام و نه سیستم) است که والدین روزگاری با اعتماد و اطمینان تمام، فرزندان خود را به آن می سپردند. در حالی که همین «نظام» اکنون خود به یکی از مراکز تولید آسیب تبدیل شده است. نمره محوری، تبدیل شدن ساز و کار آموزش و پرورش به مدیریت، به نوعی رابطه و بنگاه اقتصادی و نگاه کردن به دانش آموز، به عنوان یک مشتری، موجب فراموش شدن وظایف تربیتی و نادیده گرفته شدن مسائل اخلاقی شده است.

دانش آموز، از مقطع راهنمایی به بعد، عملا غیر قابل کنترل و توجیه است. نه او با اولیای مدرسه اش کنار می آید و نه اولیای مدرسه تحمل او را دارند. خیر به ما می گویند که میزان ضرب و شتم بین دانش آموزان با هم و با اولیای مدرسه در حال افزایش است... داستان دختران دانش آموزی را همین اواخر باقمه به جان هم افتاده بودند، همه می دانیم.

روان درماتی با استفاده از مواجهه درماتی در درمان فوبی های خاص موفقیت آمیز است. باین حال، برخی اوقات داروهای تروانده به کاهش نشانه های اضطراب و وحشت زدگی که در طول تفکر راجع به مواجه شدن با شیء یا موقعیت ترسناک تجربه می شوند، کمک کنند. از این رو بیماران با مراجعه به روانشناسان و متخصصان کارآزموده و دریافت درمان حرفه ای و مدیریت موثر یاد می گیرند که چطور بر ترس هایشان غلبه کنند و زندانی ترس هایشان نشوند. بیماران فوبیک با کمک رواندرمانگران و مشاوران استفاده از راهبردهای آنان می توانند تلاش کنند که از موقعیت های ترس آور زندگیشان اجتناب نکنند. بنابراین خانواده، دوستان و درمانگر می تواند به این دسته از افراد برای مقابله و مواجه شدن با ترس هایشان کمک کند تا تکنیک هایی را که در درمان می آموزند را تمرین کرده و در زندگی واقعی به کار ببرد تا در مسیر ساختن زندگی هر چه بهتر، به دور از ترس و نگرانی تلاش کنند.

از گوشه و کنار

طرح «حیات شبانه پایتخت» نیازمند بررسی جزئیات است



سخنگوی نیروی انتظامی درباره طرح «حیات شبانه» پایتخت، اعلام کرد که پلیس از هر طرح مفید و مورد فاق نهادهای حاکمیتی برای ارتقا نشاط اجتماعی استقبال می کند. سردار احمد نوریان گفت: هر گونه طرح فرهنگی، اجتماعی، ترافیکی، عمرانی و... بویژه در کلان شهرها و پایتخت نیاز به بررسی و کارشناسی از ابعاد مختلف دارد و علی القاعده نباید سازمان ها به صورت جزیره ای و بخشی برای شهر و ساکنان آن و دیگر سازمان ها و نهادهای تصمیم گیری کنند، بلکه به معنای واقعی برای اجرا یا عدم اجرای یک طرح لازم است از مشارکت و هم فکری مردم و نخبگان هم چنین نظر کارشناسی دستگاهها و مجموعه های مرتبط بهره گیرند. به گفته سخنگوی ناجا در موضوع حیات شبانه، تا کنون صرفا کلیاتی از سوسوی بعضی از افسراد و مجموعه های تابعه مدیریت شهری در سطح رسانه ها مطرح شده است که نمی توان بدون بررسی و اطلاع از جزئیات اجرایی، درباره آن اظهار نظر کرد. به نظر می رسد با تشکیل کارگروه مشترک اجرایی و نخبگانی از زوایای مختلف بویژه بخش های معطوف به ماموریت های انتظامی اعم از جنبه های ترافیکی، خدماتی، امنیت عمومی و غیره طرح مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته و نسبت به تصمیم گیری در مورد آن اقدام لازم صورت گیرد. سخنگوی نیروی هم چنین گفت: در مجموع با تجربه ای که وجود دارد پلیس اجرای غیرمسئولانه طرح های کارشناسی نشده را قبول ندارد.

اجرای طرح «شادستان» و ایجاد نشاط اجتماعی



به گفته رئیس سازمان ورزش شهرداری تهران، در طی چند ماه اخیر سعی شده تا با ارتباط مناسب و فعالیت با فدراسیون ها، هیات های ورزشی و آموزش و پرورش، برنامه های هدفمندی برای شهروندان برقرار کنیم. با توجه به این که تعامل تهرانه را تقای سطح سلامت جامعه است، با ارتباط مستقیم با هیات ورزشی توانستیم میزان فعالیت و مشارکت انجمن های ورزشی را در طرح های مختلف مردمی افزایش دهیم. حسنی به برنامه «شادستان» که طی هفته های گذشته با اقبال عمومی روبه رو شده است، اشاره کرد و اظهار داشت: خوشبختانه جشنواره «شادستان» تابستان» که به صورت هفتگی روزهای جمعه در بوستان های مهم هر منطقه برگزار می شود با استقبال شهروندان مواجه شده است. وی تصریح کرد: هدف از اجرای این برنامه نزدیک کردن خانواده ها به هم و ایجاد نشاط اجتماعی و افزایش سلامت جسمی و روحی خانواده ها و گسترش مشارکت آن ها در برنامه های ورزشی بوده که با توجه به میزان استقبال مردم، تاحدودی به اهداف خود در اجرای این برنامه رسیده ایم.

به زودی امکان پذیر می شود
دو چرخه سواری از میدان آزادی تا بوستان چیتگر
شهرداری منطقه ۱۲۲ از احداث مسیر ۲۲ کیلومتری دو چرخه سواری از میدان آزادی تا بوستان چیتگر در آینده نزدیک خبر داد. علی نوردیپور با اشاره به وجود پیست دو چرخه سواری در بوستان چیتگر، افزود: بخش عمده ای از این مسیر ساخته شده و ۱۰۰۰ متر زمین در کنار استادبوم آزادی در این مسیر وجود دارد که پس از تملک آن و آماده سازی این قطعه، می توان گفت که مسیر ۲۲ کیلومتری دو چرخه سواری از میدان آزادی تا بوستان چیتگر تقریباً آماده خواهد بود.

فانزه ناصح، دکترای روانشناسی عمومی

رشد فزاینده صنعتی شدن کشورها تبعات گوناگونی داشت و در زمینه هایی آرامش را از بشر گرفت. از منظر روانشناسی یکی از بزرگترین مشکلات فرساینده روح و روان آدمی، اختلالات روان پزشکی به خصوص «اختلال اضطراب» است. پدیده ای که با سرعت چشمگیری در اقصاء مختلف جامعه روبه افزایش است و امنیت روانی و آرامش درونی افراد را به خطر می اندازد. علم و پیشرفت بشری پارادوکسی در درون خود پنهان دارد؛ علم با وجود آنکه با کشف حقایق و اسرار طبیعت و همچنین ساخت انواع و اقسام تکنولوژی های شگرف در زمینه های مختلف نقش بسیار

اختلالات اضطرابی ممکن است به مرگ منجر شود

فانزه ناصح، دکترای روانشناسی عمومی

مؤثری در آسایش مادی بشریت ایفا کرده، باین حال نیز توانسته آرامش و معنویت را از انسان ها برآید و سبب خلای عاطفی آنان شود که این مساله امروزه به شکل های گوناگون در اختلالات و بیماری های روانی نمود پیدا کرده است. در حال حاضر «اضطراب» شایع ترین بیماری روانی محسوب می شود که در این بین زنان در صد بسیار بالاتری از اختلالات اضطرابی را به خود اختصاص داده اند.

روانشناسان معتقدند که «اضطراب» زمانی اختلال تلقی می شود که در موقعیت هایی ایجاد شود که خطر واقعی وجود ندارد و یا اینکه پس از رفع موقعیت مخاطره آمیز بیش از حد معمول طول بکشد. بنابراین «اختلالات اضطرابی» می تواند خطر ابتلا به بیماری های قلبی و عروقی و همچنین مرگ رانی را نیز افزایش دهد. اختلالات اضطرابی انواع مختلفی دارند که از